

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۴ مارچ ۲۰۲۱

حمید انوری

ملا و مارشال در ماسکو



مشاجره لفظی مارشال دوستم و ملا فاضل در
نشست صلح ماسکو

این دو فرمانده نظامی سابقه طولانی جنگ مسلحانه در
درگیری های افغانستان دارند

بازهم باد شد و باران شد و خدا مراد خوشه چین داد. رو سیه تلاش کرد از امریکا عقب نماند و دست پروردگانش دست خالی. یک مشت افراد بی سر و پا و مشکوک و منفور را به ماسکو دعوت کرد که در جمله آن جمع نامتجانس، کرزی و گلبدین و دوستم و چند رسوای دیگر نیز حضور بهم رسانیده بودند و به مصداق مثل مشهور "گر در بغداد لقمه باشد، ما از اینجا سر بجنبانیم"، سر کنده و پای کنده، دو پا داشتند و دوی دیگر قرض کردند و چارترات دوییدند و رسیدند به ماسکو.

دوستم اما اندرین میانه با یونیفورم "مارشالی" در مجلس حاضر شد تا زهر چشمی از خود نشان داده باشد. گلبدین اما جدا بافته ای جدا تافته، در کنج یک طیاره، سرخم و پتیاره [اسم] [قدیمی] در آیین زردشتی، مخلوق اهریمنی که در پی آزار مردم یا تباه ساختن چیزهای خوب و آثار نیکو است؛ دیو – فرهنگ عمید]

هی میدان و طی میدان، رساند خود را به آن بیابان که آنرا ماسکو نام است. او اما در جمع هیئت طالبان ظاهر شد و در کنار میزی نشست که طالبان به دور آن گرد آمده بودند، تا در فردای سازش های پیدا و پنهان با طالبان، از قافله عقب نمانده باشد و یک انگشت جای در رژیم بعدی برای خود تضمین کند.

اینک می رویم سراغ گزارش خانم وحیده پیکان از ماسکو و اندکی اتفاقات را کند و کاو می کنیم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید:

وحیده پیکان: ایندیندنت

بر اساس گزارش‌های رسیده از نشست صلح مسکو برای افغانستان، بین مارشال عبدالرشید دوستم و ملا فاضل، رئیس پیشین ستاد مشترک نیروهای طالبان، درگیری لفظی رخ داده است. ملا فاضل در دهه ۱۹۹۰ میلادی فرمانده نیروهای طالبان در شمال افغانستان بود و لشکرکشی به مزارشریف را بر عهده داشت. در آن زمان، رهبری سیاسی شمال کشور در دست عبدالرشید دوستم، رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان بود و او در گفت و گوهای صلح و جنگ مسلحانه با طالبان شرکت داشت.

بلی او در جنگ و صلح و در مذاکره و گفت و گو با طالبان در آن زمان دخیل بود. فاجعه قلعه جنگی، کشتار و قتل عام نیروهای تسلیم شده طالبان به دستور دوستم در داخل کانتینرهای باربری، حین انتقال آنان به عقب جبهه و قتل عام دشت لیلی و زنده زنده به آتش کشیدن اسیران طالب در قلعه جنگی و...، همه و همه حاصل مذاکره و گفت و گو و جنگ و صلح طالبان با دوستم بود که هیچ طالبی هرگز آنهمه جنایت و قساوت و بربریت را فراموش نخواهد کرد.

در اکثر آن جنایات ددمنشانه، در کنار دوستم، مامورین و فرستادگان سی آی ای حضور داشتند و شاهد آنهمه کشتار و قتل عام بودند و...، در دشت لیلی هنوز هم زمین بوی گوشت سوخته آدم می دهد و گورهای دسته جمعی طالبان هنوز هم شور میخورند.

درگیری لفظی اخیر، سه روز پیش و در جریان نشست تروئیکای مسکو برای صلح افغانستان، بین مارشال عبدالرشید دوستم و ملا فاضل، رخ داد. گزارش شده است هنگامی که مارشال عبدالرشید دوستم می خواست با یونیفرم نظامی وارد نشست (جلسه) شود، با مخالفت طالبان رو به رو شد. اما پس از آنکه وی لباسش را عوض کرد و با لباس غیرنظامی به جلسه آمد، بین او و ملا فاضل مظلوم، مشاجره لفظی اتفاق افتاد.

در همین یک مورد، عملکرد طالبان واقعینانه بوده است. این مارشال را غیر از اشرف غنی و کرزی و عبدالله و دو سه رسوای دیگر، هیچ کس دیگر به رسمیت نمی شناسد. از جانب دیگر جلسه مسکو یک جلسه رسمی و بین المللی نبود که فرستادگان کابل با لباس های رسمی به آن مجلس حاضر می شدند و نیز رشید دوستم نه از مردم افغانستان نمایندگی می کرد و نه هم از حکومت مرکزی. اینکه کدام مشاور و یا مشاوران به او مشوره داده بوده اند که از لباس مارشالی در آن مجلس استفاده کند، به دوستم و مشاوران پرچمی او معلوم است.

اما زور طالب به اندازه بوده است که لباس مارشالی از تن لت دوستم بدر آورده و او را به دو پیسه ساخته است، اما او که چشم پاره ای دارد، از رو نرفته، لباس مارشالی به میخی در ماسکو بیاویخته و برگشته است، بدون آنکه حتی خمی بر ابرو آورده باشد. او ندانسته است که سخت توهین شده است، هرچند تن لاش او در مقابل توهین و تحقیر، سالهاست معافیت یافته است.

ماجرا هنگامی آغاز شد که دوستم پس از ورود به محل نشست (جلسه)، دست بر شانه ملا فاضل گذاشت و حال او را پرسید؛ اما ملا فاضل دست مارشال دوستم را با خشونت پس زد و او را «غدار و قاتل» خطاب کرد.

اگر ملا فاضل این کار را نمی کرد، ننگ بزرگی برای او به حساب میرفت. با یقین کامل که دوستم هم غدار است و هم قاتل. او نه تنها از غدر و حيله در مقابل افراد تسلیم شده طالبان کار گرفته و همه تسلیم شدگان آنان را وحشیانه قتل عام کرد، بلکه حتی اسیران آنها را در داخل زندان قلعه جنگی زنده زنده پترول پاشید و به آتش کشید. او به نجیب خیانت کرد، به ربائی خیانت کرد، به گلبدین خیانت کرد، به اکبر بای خیانت کرد، به ایشچی خیانت کرد، به طالبان خیانت کرد، خیانت و جنایت در رگ رگ او جریان دارد. رشید دوستم، مشهور به "گلم جم"، در بیش از چهل سال پسین، آنقدر کشتار کرده است و به آن اندازه در سر تا سر افغانستان جنایت آفریده است که چنگیز و هلاکو و تیمور لنگ را رو سپید ساخته است.

در سال ۲۰۰۱ و با حمایت امریکا از نیروهای ضد طالبان، مناطق شمالی این کشور دوباره به دست افراد مارشال دوستم افتاد و ملا فاضل خود را تسلیم دوستم کرد؛ اما مارشال دوستم او را به نیروهای آمریکایی سپرد و او، از زندان گوانتانامو سر درآورد.

او با وجود آن خیانت بزرگ خود، چنان چشم سفید و دیده درآ است که جرئت میکند بر شانه ملا فاضل دست بگذارد و احوال او جويا شود.

من نمی گویم که ملا خوب است و مارشال بد، اما با جرئت می توان گفت که در جرم و جنایت، خطا و خیانت و بربریت و قساوت، مارشال سر ملا را خاریده است.

زندگی ملا فاضل نیز مانند مارشال دوستم، در جنگ و درگیری های افغانستان گذشته است. گفته می شود ملا فاضل، خطرناک ترین فرمانده جنگی طالبان در زمان حاکمیت این گروه تا پیش از سال ۲۰۰۱ بوده است.

همین خطرناک ترین فرمانده جنگی طالبان در بعد از حمله نظامی امریکا به افغانستان، مجبور می گردد تا با رشید دوستم از در مذاکره پیش آمده و در یک توافق با افراد خود، به دوستم تسلیم شود،

اما دوستم بعد از آنکه تمام افراد ملا فاضل را خلع سلاح میکند، خلاف توافق با او، افرادش را از دم تیغ شقاوت خود میگذراند و خودش را نیز باز هم خلاف توافق، به عساکر امریکائی تحویل می دهد.

۱۹ سال از سرنگونی رژیم طالبان و بیش از دو دهه از جنگ طالبان در مزارشریف در شمال افغانستان می گذرد، اما خونریزی و «شام غریبانی» که ملا فاضل در این منطقه برپا کرد، هنوز از یاد مردم نرفته است.

به یقین ملا فاضل هم دستانش به خون هموطنان مظلوم ما رنگین است که هرگز فراموش هیچ هموطنی نمی گردد، اما همین جنایتکاران، امروز گل سر سبد امریکا و رو سیه اند.

ملا فاضل از قبیله کاکر از پشتون های استان (ولایت) ارزگان در جنوب افغانستان است و علوم دینی را در مدارس پاکستان فرا گرفته است. او در جریان جنگ افغان ها علیه شوروی سابق، از افراد رده پایین به حساب می آمد اما در میانه های دهه ۹۰ میلادی به جنبش طالبان پیوست و در این گروه سمت های مختلف داشته است.

رشد دوستم اما از ولسوالی خواجه دوکوه، شبرغان، مربوط به ولایت جوزجان است که نخست یک ملیشه در زمان تجاوز روس بر افغانستان بود، بعد به دستور نجیب و مشاوران روسی او به جنرالی ارتقا یافت، بعد سر نجیب را خورد، به مسعود پیوست و بعد هم به گلبدین و مجددی و چند رسوای دیگر پیوست، عاقبت هم به فتوای مجددی، شد خالد بن ولید و مجاهد کبیر، ما اما دانسته نشدیم که این فرد متلون المزاج (صفت) [عربی: متلون مزاج] [قدیمی] آنکه همواره تغییر اخلاق و تغییر عقیده بدهد؛ دمدمی. - فرهنگ عمید، ملیشه است یا سترجنرال یا مارشال یا خالد بن ولید و یا هم مجاهد کبیر، شاید هم همه با هم. به هر حال آنکه دست پرورده تجاوزگران روسی است، به درد هر تجاوزگر و هر جنگ سالار و جنایتکار دیگر نیز در یک مقطع خاص، می خورد، چون هر آن جامه عوض میکند و به هر شکلی در می آید.

رابطه ملا فاضل با نهادهای امنیتی پاکستان و گروه های اسلامگرای جهانی، به رشد سریع او در رژیم طالبان انجامید. او با ملامحمد عمر، رهبر گروه طالبان، رابطه مستقیم داشت و در بیشتر جنگ ها هم شرکت می کرد.

او اما هیچگاه بلیون ها دالر و پوند و یورو و روبل و... جمع آوری نکرد و صاحب قصر ها و شرکت های هوایی و حسابات بانکی در داخل و خارج از کشور نشد و فرزندان او هم وکیل و

سناتور و چند چیز دیگر و خودش هم جنرال و سترجنرال و مارشال نشد. او حتی از ملائی به مولوی گری نیز نرسید.

ملا فاضل، معاون وزارت دفاع رژیم طالبان بود و در سال ۲۰۰۱، ریاست ستاد ارتش طالبان را نیز بر عهده داشت. او همچنین به عنوان فرمانده طالبان در تخار و شمال کشور ماموریت داشته است.

با این حال، معصوم استانکزی، رئیس هیئت مذاکره کننده جمهوری اسلامی افغانستان و یکی از شرکت کنندگان نشست (جلسه) مسکو می گوید: «در نشست ها، گهگاه حرف های تلخ و شیرین پیش می آیند؛ اما پیام و سخن اصلی من این است که اگر کسی به سوی صلح می رود، باید این توانایی را داشته باشند که دیگری را تحمل کند.»

این کمترین تا حالا هیچ حرف و سخن شیرین در مذاکرات ماسکو- دوحه - ماسکو نه شنیده و نه هم خوانده ام. اما سوال اینجاست اگر یکی از همین طالبان، پسر یا دختر یا کاکا و ماما و...، معصوم ستانکزی را به قتل می رساندند، آیا ستانکزی باز هم همین نظر را میداشت؟!

گفته می شود که آقای دوستم پس از این مشاجره، نشست (جلسه) را ترک کرده و یک روز قبل از دیگر اعضای نشست (مجلس)، به افغانستان بازگشته است.

سوال اینجاست که تا یک روز قبل از ختم جلسه، دوستم مشغول چه کار یا کار هائی در ماسکو بوده است و چه دستوراتی دریافت کرده است؟!

نتیجه منطقی این مختصر هم این تواند بود که از این هیئت های هشت رخ و نه گرد طرفین، نمی توان امید هیچ نوع صلحی را داشت، با درنظر داشت اینکه هیئت طالبان یک نظر واحد دارند و هیئت حکومت مرکزی، یک سر دارند و هزار سودا و حتی به مشکل از بین شان می توان دو نفر را انگشت گذاشت که نظر واحدی داشته باشند. گلبدین از پول ملت به ماسکو میرود و در جمع هیئت طالبان جا خوش میکند.

دوستم را طالبان در جلسه راه نمی دهند، کرسی به ساز طالبان رقصیده و داد از حکومت مؤقت میزند، عبدالله جهت نمایش لباس میرود، و...

تا این مکتب است و این ملا

حال "صلح" را خراب می بینم

